خبر و نظر: عربستان سعودی‏ ابهام در ظرفیت مازاد تولید

حدود یک سال پیش که تولید اوپک به مرز سقف ظرفیت تولید این سازمان رسیده بود عربستان سعودی تنها عضو اوپک بود که ادعا می‏شد از حدود 2 میلیون بشکه ظرفیت مازاد تولید برخوردار است.در آن شرایط ابهاماتی در مورد میزان واقعی بودن این ظرفیت مازاد و در دسترس بودن آن وجود داشت که ما در همان‏ زمان به تحلیل این مسئله پرداختیم(اقتصاد انرژی شمارهء 15 و 16 شهریور 79 صفحهء 4 و شمارهء 19 آذرماه 79 صفحهء 4).با تغییر شرایط بازار در زمستان 2001 که منجر به تصمیم اوپک‏ به کاهش تولید نفت اعضاء این سازمان گردید، عربستان سعودی از مخمصهء(داشتن یا نداشتن) ظرفیت مازاد تولید خلاص شد اما در هفته‏های‏ اخیر مسئلهء ظرفیت مازاد تولید عربستان مجددا در لابلای سطور اخبار مربوط به قطع تولید نفت‏ عراق قرار گرفت.

به دنبال قرار گرفتن پیشنهاد جدید طرح‏ تحریم هوشمند عراق در دستور کار شورای‏ امنیت سازمان ملل،دولت عراق تصمیم گرفت‏ که صادرات نفت خود را از هفتهء اول ژوئن قطع‏ نماید.در پی توقف صدور نفت عراق دولت‏ عربستان ابتدا اعلام نمود که در صورت لزوم به‏ تنهایی صادرات نفت عراق را با استفاده از ظرفیتهای مازاد تولید خود جبران خواهد نمود. اما وزیر نفت این کشور در اظهارنظرهای بعدی‏ اعلام نمود که:«عربستان سعودی دارای 5/2 میلیون بشکه ظرفیت مازاد تولید است اما رسیدن این تولید به بازار ممکن است سه ماه‏ زمان لازم داشته باشد».وی چند روز بعد عنوان‏ نمود که:«قطع صادرات نفت عراق مشکلی را بوجود نخواهد آورد و بازار نفت با توجه به‏ ذخیره‏سازیها توان جبران آن را دارد»،وی افزود: «هرچند عربستان به تنهایی قادر به جبران تولید عراق است اما ترجیح می‏دهیم که این مهم را با همکاری دیگر اعضاء اوپک حل کنیم تا انسجام‏ سازمان محفوظ بماند».

وزیر نفت عربستان همچنین در اجلاس ماه‏ ژوئن(اجلاس 115)اوپک بر تشکیل اجلاس‏ اضطراری بعدی اوپک با فاصلهء کمتر از یک ماه‏ در سوم ماه جولای پافشاری نمود تا در واقع‏ چنانچه مسئلهء تولید عراق در تاریخ تعیین شده‏ یعنی در تاریخ 30 ژوئن در سازمان ملل حل و فصل نشد و عراق به توقف صدور نفت خود ادامه داد تصمیم لازم در مورد نحوهء جایگزینی‏ تولید نفت عراق در اجلاس اضطراری مذکور اتخاذ گردد.

اظهارات مقامات و اقدامات دولت سعودی، بار دیگر ابهاماتی را در مورد حداکثر توان تولید واقعی و میزان ظرفیت مازاد تولید این کشور بوجود می‏آورد.اظهارات اخیر وزیر نفت‏ عربستان در رابطه با پایبندی این کشور به‏ چارچوبهای اوپک و حفظ انسجام این سازمان‏ مهم و قابل‏تقدیر است و می‏تواند توجیه‏کنندهء رفتارهای مذکور باشد اما سؤال و ابهام دیگری‏ نیز قابل طرح است و آن این است که با توجه به‏ نقش و اهمیت فعلی ظرفیت مازاد تولید عربستان سعودی در تأمین به موقع هرنوع‏ کمبود عرضه و آرامش بخشیدن به بازار نفت،اگر چنانچه واقعا چنین ظرفیت مازادی در عربستان‏ وجود داشت شاید دولت عربستان به هربهانه‏ای‏ و حتی برای چند روز با افزایش موقت تولید خود قطعی بودن وجود چنین ظرفیتی را به‏ نمایش می‏گذاشت.

درست است که میزان تولید نفت عربستان‏ در سالهای 1977 و 1979 از حد 9 میلیون بشکه‏ در روز فراتر رفت و در سالهای 1980 و 1981 به‏ نقطهء اوج خود در حدود 8/9 میلیون بشکه در روز رسیده است اما از آن پس و حتی در جریان‏ جنگ خلیج فارس(1991)متوسط تولید این‏ کشور هرگز از حدود 3/8 میلیون بشکه تجاوز ننموده است.متخصصین آشنا به ویژگیهای‏ مخازن نفتی منطقهء خلیج فارس واقفند که‏ دستیابی مقطعی به سطح تولید 8/9 میلیون‏ بشکه به هیچ‏وجه به معنای امکان تداوم دائمی‏ و چنین سطحی از تولید نیست و مخازن نفتی‏ پس از مدتی با افت فشار و کاهش تولید طبیعی‏ چاهها مواجه می‏گردند.علاوه بر این مطالعات‏ انجام شده نشان می‏دهد که حفظ هربشکه‏ ظرفیت تولید قابل تداوم(اعم از ظرفیت فعال و ظرفیت ذخیره)نیاز به سرمایه‏گذاری قابل‏توجه‏ سالانه دارد و به نظر می‏رسد که طی بیست سال‏ گذشته چنین سرمایه‏گذاری در حد ضرورت در کشور عربستان انجام نپذیرفته است.

در سطور گذشته به امکان‏پذیری و محدودیتهای فنی تولید نفت عربستان اشاره‏ نمودیم در این رابطه اگر از مسائل مقطعی عبور کنیم و قدری بلندمدت‏تر به موضوع نگاه کنیم با یک سؤال مهم مواجه خواهیم شد و آن این‏ است که:در شرایطی که اکثر پیش‏بینی‏های انجام‏ شده در مورد عرضه و تقاضای بلندمدت نفت‏(معمولا تا سال 2020)نشان می‏دهد که اتکاء بلندمدت عرضهء جهانی نفت عمدتا به‏ کشورهای تولیدکنندهء نفت خلیج‏فارس خواهد بود و در شرایطی که همین پیش‏بینی‏ها میزان‏ تولیدی در حدود بیست میلیون بشکه در روز را برای عربستان سعودی به منظور پاسخگویی به‏ تقاضای جهانی در نظر می‏گیرند چرا هنوز شاهد آغاز سرمایه‏گذاری‏های عظیم و عمدهء مورد نیاز چنین امری در بخش نفت عربستان نیستیم؟

پاسخ این سؤال می‏تواند در این نکته نهفته‏ باشد که احتمالا برآوردهای مذکور و توصیه‏هایی‏ که از دل آن بیرون می‏آید بدون توجه به‏ واقعیت‏های و محدودیت‏های فنی انجام پذیرفته‏ است و احتمالا مهندسین و متخصصین مخازن‏ نفتی عربستان سعودی به غیرواقعی بودن این‏ برآوردها اذعان دارند.

از سوی دیگر ما شاهد آغاز سرمایه‏گذاری‏های عظیم عربستان در بخش تولید گاز هستیم مقامات عربستان اعلام نموده‏اند که‏ گاز تولیدی از محل این سرمایه‏گذاری‏ها را برای‏ مصارف داخلی و به خصوص مصرف رو به‏ تزاید نیروگاه‏ها می‏خواهند.اما به نظر می‏رسد که‏ میزان سرمایه‏گذاری در بخش گاز فراتر از حد نیاز داخلی باشد و لذا این احتمال وجود دارد که‏ متخصصین مخازن نفتی عربستان سعودی نیز به‏ این نتیجه رسیده‏اند که برای حفظ ظرفیتهای‏ موجود تولید نفت و افزایش احتمالی آن راهی‏ جز تزریق حجم عظیمی از گاز به مخازن نفتی‏ وجود ندارد و این همان واقعیتی است که‏ کارشناسان و متخصصین ایرانی از سال‏ها پیش‏ به آن توجه نموده‏اند.

 بقیهء از صفحهء 4 متفاوت‏اند و لذا تجمیع این دو وزارتخانه از منظر بخش‏های اجرایی فقط به منزلهء افزایش‏ حجم بخش تصدی است.

3-تقویت بخش حاکمیتی:تنها نکتهء مثبت‏ در طرح ادغام دو وزارتخانه،اگر تحقق یابد، تقویت بخش حاکمیتی است.وجود یک نهاد متمرکز سیاستگذار انرژی بسیار مطلوب و مورد نیاز است.از این دیدگاه تشکیل کمیسیون انرژی‏ مجلس شورای اسلامی در عوض کمیسیون‏های‏ نفت و نیرو،از آنجا که مجلس یک نهاد کاملا حاکمیتی است،حرکت بسیار پسندیده‏ای‏ می‏باشد،اما سؤال این است که آیا شرایط لازم‏ برای تجمیع بخش‏های حاکمیتی وزارتخانه‏های‏ نفت و نیرو آماده است؟هرکدام از وزارتخانه‏های‏ نفت و نیرو در سال‏های اخیر تلاش کرده‏اند تا ساختار خود را در جهت کاهش بخش تصدی و تقویت بخش سیاستگذاری اصلاح نمایند.هر چند که این موارد تا حدودی انجام شده است اما هنوز این تغییرات پایدار و تثبیت نشده‏اند.

بنابراین با توجه به اینکه:

-در حال حاضر بخش‏های حاکمیتی و تصدی‏ این دو وزارتخانه درهم‏آمیخته هستند

-بخشهای تصدی این دو وزارتخانه یک‏ جنس و یک اندازه نیستند

-حدود 80 درصد از درآمد ارزی کشور از محل صادرات نفت تأمین می‏گردد

-ایران دومین دارندهء ذخایر عمدهء گاز جهان‏ و دومین تولیدکنندهء عمدهء نفت اوپک است

-حفظ منافع ملی

بیم آن می‏رود که تعجیل در ادغام‏ وزارتخانه‏های نفت و نیرو بدون انجام مطالعات‏ کارشناسی دقیق‏تر،منجر به تضعیف جایگاه نفت‏ ایران در اوپک و جهان شود.لذا به نظر می‏رسد فعال شدن مجدد شورای عالی انرژی که متشکل‏ از وزرای نفت و نیرو،رییس سازمان انرژی اتمی‏ و نمایندگانی از بخش‏های ذیربط در سازمان‏ برنامه و نمایندگان دستگاههای مصرف‏کننده‏ عمدهء انرژی همچون وزارتخانه‏های صنعتی‏ است می‏تواند حرکت سازنده‏ای در جهت اتخاذ سیاستهای واحد انرژی در سطح کشور بوده و مخاطرات طرح ادغام را به تعویق اندازد.